

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۱۵ آبان ۹۲

خطبه‌ی شب سوم

حمد و ثنا و سپاس سزاوار خداوند با جلال و کبریایی و عظیم و کریم است که بزرگی و عظمتش در آسمان‌ها، نشانه‌های قدرتش در زمین، عجایب او در دریاها و گنجینه‌هایش در کوه‌ها آشکار است و قدرتش دربرگیرنده‌ی همه چیز و همه کس؛ اوست در گذرنده و بخشاینده، هم اوست که پیامبران و جانشینانشان به سویش دعوت فرمودند و بندگی‌اش را عزت و رستگاری نام بردند، هم اوست که پدر پیامبر اسلام، حضرت ابراهیم (ع) همگان را برای پرستشش دعوت فرموده و همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم فرموده: (آیات ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره‌ی مبارکه بقره)

و چون ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا بردند، گفتند: ای پروردگار ما، از ما بپذیر که تو شنوا و دانا هستی.

ای پروردگار ما، ما را فرمان‌بردار خویش ساز و نیز فرزندان ما را فرمان‌بردار خویش گردان و مناسکمان را به ما بیاموز، و توبه‌ی ما بپذیر که تو توبه پذیرنده و مهربان هستی.

ای پروردگار ما، از میانشان پیامبری بر آنها مبعوث گردان تا آیات تو را برایشان بخواند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد و آنها را پاکیزه سازد و تو پیروزمند و حکیم هستی.

خداوند کریم چه زیبا دعای پیامبر خلیل خود را اجابت فرمود و پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و فرزندان او را از نسل او قرارداد و مژده‌ی آمدنش را در تورات و انجیل داد و منتظرانش از یهود و نصارا از سرزمین‌های خود به اطراف مدینه کوچ کردند که اولین کسانی باشند که پیامبر آخرالزمان را می‌بینند ولی همان‌ها بیشترین دشمنی را در حق پیامبر اسلام نمودند چون آنان منتظر آمدن پیامبری بودند که در ذهن و افکار

نفسانی خود ساخته بودند نه پیامبر واقعی اسلام. حال منتظران آخرین فرزندش، نجات دهنده‌ی بشریت و برپا کننده‌ی دولت حق و نابود کننده‌ی باطل، آیا به واقع وجود مبارکش را می‌شناسند یا همچون منتظرانِ جدش، امام ساخته شده‌ی ذهن خود را انتظار می‌کشند؟ باید که دست تمنا به وجود مقدس امام عصرمان دراز کنیم که در شناخت واقعی خود و دولت حقه‌شان ما را یاری فرمایند تا جزء منتظران واقعی ایشان باشیم.

اینک به اذن الله و اذن رسول الله و به اذن مولایمان امام زمان (عج) خطبه‌ی امشب را می‌خوانیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب سوم

طس؛

سلام بر یعقوب، پیامبری صدیق در اطاعت از پروردگار یکتا؛ وارث بنی‌اسرائیل؛ پیامبری که مژده‌ی آمدنش را فرشتگانی آوردند که سال‌ها شاهد مناجات ابراهیم خلیل (ع) بودند آنگاه که سر بر سجده می‌گذاشت و می‌فرمود: پروردگارم، همگان را بر آستان کبریایی‌ات فراخواندم ندایی در جانم طنین‌انداز شد و مرا خواند: ای ابراهیم، آیا پاسخ فرزندان خویش را در دعوت به‌سوی خالق یکتا شنیدی؟ و پیامبر عرضه داشت: پروردگارم به آنچه در مشیت من است آگاه‌تر است. مشیت آمدن دو پیامبر در قومی که ابراهیم را نشناختند و زیباترین اسوه‌ی توحید را تنها گذاشتند اینک مژده‌ی آمدن اسحاق نبی و فرزندش یعقوب را آورده‌اند. اراده‌ی پروردگار در ادامه‌ی رسالت این پیامبر از دو سو شکل گرفت؛ حضرت اسماعیل (ع) در مکه‌ی مکرمه و حضرت اسحاق و یعقوب در سرزمین شامات؛ این دو شاخه‌ی مستحکم مانند پلی رسالت اولین را به رسالت خاتم انبیا پیوند زد و پیامبر آمد؛ پروردگار فرموده: ای فرزندان بنی‌اسرائیل، سال‌هایتان به امید شکوفایی نهالی سپری شد که همواره نقش کبریایی‌اش را در باطن جانتان چشیده بودید پس به آستانش بشتابید که انتظارتان به سر آمد. چهره‌ی پیامبر

(ص) از نقاب زمینی‌اش کنار رفت و وسوسه‌ها آغاز گردید؛ او کیست؟ آیا کسی که سال‌ها او را می‌شناختیم اکنون ادعای رسالت دارد؟ مخالفت‌ها آغاز گردید و وحی الهی در اطاعت، تنها ماند؛ منتظران گریختند و سر را در نقاب نفس اماره پنهان کردند ولی حق به میدان آمد؛ یک نفر در مقابل امت‌ها از اولین تا آخرین. زبان مطهرش میراث‌دار گنجینه‌های آفرینش بود و عمر شریفش امانت‌دار رسالت پدران گرامی‌اش، باز حق ماند و باطل افسانه‌ای شد در ذهن‌های امت‌ها و امشب رسالت زمان، در کوله‌بار امت‌هایی که از باطل گریخته‌اند و نامی را زمزمه می‌کنند؛ نامی که رسالتش آغاز شکوفایی حق بود و ادامه‌ی رسالتش هم در همین خلاصه می‌شود؛ او میراث‌داری را به یادگار دارد که مولای عصر و زمان است؛ درکش همانند درک آیات کریمه است آیاتی که عزت را جاودانه می‌سازد و باطل را ناچیز می‌شمارد پس جان‌هایی با این عزت پروردگار عالم همراه خواهند بود که سر بر پیشانی حق گذارند و از نفس اماره بگریزند و برای رهایی‌اش فریاد کنند:

اللهم عجل لولیک الفرج